



۲۰۱۳/۰۸/۰۱

عبدالصبور صافی

مکتی برنوشته آقای عبدالمنان کریم در مورد «سابقه اختلافات و ترس امریکا از سپردن تضمین امنیتی»

وقتی پنجره پورتال وزین افغان جرمن آنلاين را باز کردم چشم به نقد آقای «عبدالمنان کریم» روی مقاله تحت عنوان «سابقه اختلافات و ترس امریکا از سپردن تضمین امنیتی»؛ نوشته «عبدالصبور صافی» خورد، فکر کردم که حتماً در اوضاع و احوال کنونی کشور، روی منافع ملی و «حفاظت و حراست» از آن توضیحات ارزشمندی ارایه شده، هنوز پاراگراف اول را تمام نکرده بودم؛ دریافتم که با یک متخصص امور «نظامی-امنیتی» مواجه هستم، که منحصراً وکیل مدافع؛ آنچه در آن مقاله تحریر شده، آنرا «ناموجه»، غیر ضروری و تخریش کننده اذهان می پندارد، و در دفاع از آنهایی است که با سیاست های نامعقول، باعث تداوم جنگ؛ بدبختی؛ بیسوادی؛ فقر؛ فلاکت و نفاق قومی در جامعه ما شده اند، با بحران سازی تداوم موجودیت خود را حفظ کرده اند، که کفاره بحران ها را این ملت بیچاره ما می پردازد، اینکه تاچه وقت این بحران سازی ادامه داشته باشد؛ خدا می داند، باید گفت؛ در این بحث هیچگاه جایی برای دفاع از حکومت فاسد آقای کرزی وجود نداشته و ندارد، آنچه امروز نگرانی را برانگیخته؛ محترم نشمردن تمامیت ارضی کشور ما از طرف نیروهای خارجی بخصوص امریکا است، که زیر راکت پرانی های مستقیم پاکستان و مداخلات بیشرمانه آن قرار دارد و امریکا می تواند به چنین نگرانی نقطه پای بگذارد؛ ولی حاضر به این کار نیست، تلاش بخاطر امضاء این موافقتنامه مطابق به میل امریکا نیز جزء همین بحران سازی شمرده شده می تواند.

«عبدالمنان کریم» بجای آنکه در باره مراکز «تروریسم»، پایگاه های آن، صدور، تربیه و تجهیز آن؛ حرف بزنند، یا اتحاد، همبستگی و کمک های سرشار به تمویل کننده این مراکز را مورد سرزنش قرار دهند، از این موضوع مهم روز؛ شانه خالی کرده و به «نصیحت» می پردازد، فراموش نباید کرد که این افغان ها هستند که وطن شان را باید بسازند، تکیه کردن به بیگانه دردی را دوا نمی کند، بعضی ها نظریه هرملحوظی که دارند حتی اشغال راهم آزادی می دانند و بسیاری از حقایق را جهت چشم پوشی از اشغال کتمان می کنند، بهتر است کاپی قسمتی از نوشته آقای «کریم» را به کتابت خودشان مرور کنیم:

نویسنده در جایی روی «مناسبات» امریکا با «پاکستان» تماس می گیرد، که در مورد، می خواهم به بحث بپردازم، زیرا مربوط آن دو کشور است، ثانیاً جانب حکومت امریکا، در باره «نتایج مبارزه با «تروریسم» و غیره فعالیت های آنها، در برابر حکومت افغانستان «مسئولیت» گزارش دهی نداشته، خود می داند، که «چگونه» عمل کند.

در نوشته فوق شاید مقصد آقای «کریم» از «می خواهم به بحث بپردازم»؛ «نمی خواهم به بحث بپردازم» باشد، زیرا از آخر جمله فوق الذکر همین طور معلوم می شود که حرف «ن» از تایپ بازمانده است.

از نظر آقای «کریم» مناسبات امریکا و پاکستان بالای مناسبات افغانستان اثر گذار نیست؛ در حالیکه عوامل همه بدبختی؛ همین مناسبات نزدیک این دو کشور است، که از برخورد دوگانه امریکا در مبارزه با تروریسم ناشی می شود، ولی نویسنده محترم بنا به ملحوظات خاص خودش و یا به هر دلیل، نخواست این مناسبات را تحت سؤال قرار دهند و یا در مورد به بحث بپردازند، جالب است که نتایج مبارزه با «تروریسم» را به کشور امریکا مربوط دانسته و آن کشور را مسئول گزارش دهی بکسی نمی داند.

اما نویسنده محترم بی خبر از اینکه زیرنام مبارزه با «تروریسم» جنگ خانمانسوز در کشور ما جریان دارد، جنگ از خاک ما؛ برعلیه خاک ما؛ زیرنام «تروریسم» سازماندهی می شود و عملاً در جریان است، یک «اردوی» یکصد و شصت هزار نفری به این منظور در افغانستان تشریف آورده، اما مسئولیت گزارش دهی را آقای نویسنده

به آنها نمی دهد، و آنها را مسؤول نمی شمارد، این «روش» جدید است؛ در مناسبات و همکاری دو کشور به خاطر رسیدن به یک مقصد که همانا برچیدن لانه های «تروریستی» باشد طرح محترم «کریم» است.

آقای «کریم» تحلیل ها و مقالاتی که در مورد اوضاع و احوال جاری در کشور نوشته می شود و در آن سؤالات در مورد تخریب بارک ها و تجهیزات نظامی امریکائی؛ توسط قوای امریکا؛ گنجانیده می شود را تخریش اذهان عامه دانسته؛ می گوید: «چنین تحلیل ها اذهان عامه را به بیراهه می کشاند.» در این مورد به قسمتی از کاپی نوشته آقای نویسنده به کتابت خودشان توجه فرماید:

با چنین سؤالات می شود، ذهنت عامه به بیراهه کشانیده شود. این مربوط خود آنهاست. کس چه می داند، که این همه وسایل، از «نگاه راز های نظامی - امنیتی»، برای خود آنها دارای چه ارزش باشد. مگر در خاک افغان ها،

اینکه منظور جناب «کریم» از بیراهه چیست و آنرا چطور توجیه می کند؟ من صرف می توانم بگویم که تخریب این تجهیزات نشان دهنده سوء نیت در برابر منافع کشورما است، آنهم در زمانیکه تلفات نیروهای امنیتی ما نسبت نداشت تجهیزات لازم و تقیل نظربه سال گذشته «۷۰٪» بیشتر شده است، اما به زعم آقای «کریم»؛ بلند کردن صدا در این خصوص؛ کشانیدن اذهان به بیراهه می باشد. (وای برما)

باید گفت؛ این جنگ امریکا با یک کشور بسیار پیشرفته با تجهیزات «نظامی - تخریبی» مدرن و پیچیده نیست، که از سلاح های بسیار مدرن و مجهز با وسایل پیشرفته الکترونیکی، اتمی و بیالوژیکی و سیستم های پیشرفته هوایی استفاده صورت گیرد، و احتیاط به خرج داده شود که بدست کشور متخاصم نیفتد، جنگ با کشور فقیری مانند افغانستان است، ثانیاً امریکا و متحدین؛ افغانستان را متحد اصلی خود خارج از چوکات «ناتو» به حساب می آورند، ثالثاً سلاح های روسی که افغان ها داشتند و به استعمال آن سلاح ها بلدیت عام و تام داشتند، همه از طرف امریکا جمع آوری و نابود شد، بجای آن سلاح های امریکائی توزیع گردید که منبع افغانستان باید سلاح های امریکائی خریداری نماید که نیاز مبرم اردوی افغانستان است، آنچه مربوط به «راز» های این سلاح است از نتیجه جنگ یازده ساله معلوم است و در عمل دیدیم که چه «راز» در آن نهفته است! تروریزم بیداد می کند روز به روز تقویه شده می رود، وطن ما به خاکستر مبدل گشت، هر روز خارجیان باهمین سلاحهای «رازدار!!» شان کشته می شوند؛ پس این «راز» چیست؟؟

مثال ساده دیگر؛ عمارتی که به ارزش ۷ میلیون دالر در هلمند باید تخریب شود؛ چه «راز» در آن نهفته است، شاید مجهز با «استراق سمع» مدرن و کمره های مخفی و علنی که از یک مرکز واحد و سریع اداره شود، یا مجهز به لایراتوار مخصوص باشد، ولی به هیچ صورت کارخانه اتمی یا اسلحه سازی نیست که سپردن آن خطر بعدی به امریکا داشته باشد یا به همین ترتیب موثرهای انتقال پرسونل و ماین پال تخریب شدند.

آنچه خیلی جالب بود برایم اینکه آقای «کریم» به مسؤولین افغانستان و در لافافه به کسانی که بخاطر حفظ منافع آن کشور بدبخت نقاط بارز خطر را با نوشتن مقالات برملا می سازند و با نوشته ها ذهنیت ها را روشن می سازند؛ اخطار کرده، که از چنین تحلیل و فکر باید پرهیز کرد که این مسئله باعث ایجاد ذهنیت زمان «جنگ سرد» در اذهان مسؤولین می شود، به کاپی نوشته آقای «کریم» توجه فرماید:

نظامی نیست. اما توقع اینست، که دولت افغانستان در مناسبات بین المللی، دست «دوستی» هر کشور را بفشارد، از موضع گیری های «بنیادگرایان افراطی» و غیره تصورات غیر واقعینانه از اوضاع کنونی بین المللی، فاصله گرفته، متوجه باشد که مفکوره ها و «فضاوت های قبلی» «شرایط جنگ سرد»، در ذهن مسؤولین امور راه نیابد.

مقصد از «مسؤولین» را در نوشته آقای «کریم» دوستان خود می توانند حدس بزنند که چیست در این مورد نمی خواهم من چیزی بگویم شاید گپ به «درازا» بکشد. آقای «کریم» از بنیادگرایی گفتند؛ اساس و تهداب بنیادگرایی را کی؛ و چطور گذاشته شد؛ به همه روشن است، همین اکنون چه کسانی از بنیادگرایی در جهان حمایت و پشتیبانی می کنند! هم معلوم است، آنچه در مناسبات بین دو

کشور افغانستان و امریکا وجود دارد؛ و یا داشت، کاملاً روشن است، و نه مراجعه شود به مصاحبه آقای «کریم خرم» توضیحات در مورد وقایع اخیر را داده اند، من به اصل احترام متقابل و محترم شمردن حق حاکمیت ملی، استقلال ملی و تمامیت ارضی کشورها معتقدم، حق اقامت در کشور بیگانه، باید مطابق به قانون آنکشور بوده که حافظ منافع متقابل باشد؛ و هر نوع توطئه مردود شمرده شود.

اگر کسی به نوشتن تحلیل و پیشبینی جهت حفظ از منافع ملی کشور به بنیادگرایی و مفکوره های زمان «جنگ سرد» محکوم می شود؛ نشان دهنده تنگ نظری و سلب آزادی قلم و بیان است، از طرف دیگر آن تحلیل ها و «قضایات های قبلی» که آقای «منان» از برملا کردن نقاط بارز آن شاکی اند؛ حقایق نهفته است، که جانب مقابل را دستپاچه ساخته و میسازد، بگذار که حقایق برملا شوند و افغانستان سربلند از این مقطع تاریخ بدرآید و دشمنان زیون گردد.

پایان

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ